

دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید جلسه ۳، آفرینش، سرزمین و تفریح در عهد عتیق

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه سوم، خلقت، سرزمین و تفریح در عهد عتیق است.

بنابراین، ما شروع به بررسی موضوع خلقت، خلقت جدید و سرزمین می‌کنیم.

من همه آنها را با هم آورده‌ام، زیرا همانطور که خواهیم دید، خلقت و زمین، به نظر من، به هم مرتبط هستند و هر دو در خلقت جدیدی که در متون نبوی پیش‌بینی شده است، به کمال می‌رسند، خلقتی که در متون نبوی پیش‌بینی شده اما در مکاشفه ۲۱ به کمال نهایی خود می‌رسد. تاکنون دیده‌ایم که در یک عمل خلاقانه جدید، خداوند جهانی را می‌سازد که برای حفظ زندگی قومش مناسب است و خلقت هدیه‌ای از جانب خداوند است. زمین هدیه‌ای به قومش است، محیطی که می‌توانند در آن زندگی کنند، مکانی که خداوند قصد دارد با آنها ساکن شود و در آنجا اقامت گزیند.

مهم است که بدانیم موضوع خلقت، هم عناصر فیزیکی و هم عناصر معنوی را در خود جای داده است. بنابراین، ما در مورد یک زمین فیزیکی صحبت می‌کنیم، اما این زمین، مکانی برای برکت، مکانی برای حضور خدا در کنار قومش است. مکانی است که اطاعت آنها را می‌طلبد.

بنابراین، وقتی به مضمون خلقت و زمین فکر می‌کنیم، با موضوعی سروکار داریم که نه تنها صرفاً فیزیکی است، بلکه احتمالاً عناصر فیزیکی و معنوی را نیز در خود جای داده است. یک نکته جالب دیگر، شاید به نوعی حاشیه‌ای، اما نکته‌ای که نمی‌خواهم زیاد به آن پردازم، زیرا حتی بحث‌هایی در مورد چگونگی درک زبان پیدایش ۱-۲ وجود دارد، با این مضمون که زمین بی‌شکل و خالی است، قبل از اینکه خدا در شش روز خلقت شروع به ایجاد این محیط، این هدیه سرزمینی که به قوم خود می‌دهد، کند. اما احتمالاً، وقتی به بی‌شکلی و خالی فکر می‌کنیم، این حداقل مضمونی را مطرح می‌کند که خدا آنچه را که در بی‌نظمی یا اختلال است، می‌گیرد و در یک عمل خلاقانه نظم ایجاد می‌کند یا خدا در یک عمل خلاقانه بر بی‌نظمی غلبه می‌کند.

خواهیم دید که این الگو در واقع در چندین جای عهد عتیق و همچنین عهد جدید پدیدار می‌شود، جایی که خلقت به عنوان مکانی بی‌نظم و اکنون، با گناه، مکانی آشفته دیده می‌شود که خداوند در یک عمل خلاقانه جدید بر آن غلبه خواهد کرد که در نهایت در خلقت جدیدی که در برخی متون نبوی و همچنین در مکاشفه ۲۲ پیش‌بینی شده است، رخ می‌دهد. بنابراین، ممکن است بعداً به آن برگردیم، اما فقط آن را در گوشه ذهن خود نگه دارید. ما به پیدایش ۱-۲ از نظر آنچه در مورد خلقت می‌گویید، نگاه کرده‌ایم، اما می‌خواهم به برخی از متون دیگر عهد عتیق نگاهی بیندازم، و اگر به بررسی و فهرست جامعی از متن عهد عتیق علاقه‌مند هستید، می‌توانید با گرگ بیلز در مورد الهیات عهد جدید یا الهیات کتاب مقدس عهد جدید، برای متن و بررسی دقیق‌تر برخی از این متون، مشورت کنید.

اما من صرفاً می‌خواهم به آنچه که فکر می‌کنم برخی از متون اصلی هستند که پس از پیدایش ۱-۲ ادامه می‌یابند، به ویژه ورود گناه و شر به خلقت خدا، نگاهی بیندازم. این متون، مضمون یا درون‌مایه خلقت و زمین و خلقت جدید را نیز بسط می‌دهند. اولین نقطه توقف احتمالاً روایت سیل در پیدایش ۶-۹ خواهد بود که من آن را در راه خلقت جدید می‌نامم.

این روایت طوفان و کل داستان پس از طوفان، ظهور دوباره خشکی است، و آنچه که ما با مأموریت مجدد نوح توسط خدا می‌یابیم، به نظر من، به عنوان یک عمل خلاقانه جدید طراحی شده است که از روی اولین عمل در پیدایش فصل‌های ۱-۲ الگوبرداری شده است. بنابراین، وقتی فصل‌های ۱-۲ پیدایش و به ویژه فصل‌های ۸-۹ پیدایش را در روایت طوفان می‌خوانید، ارتباطات متعددی وجود دارد که به نظر من نشان می‌دهد خدا در حال تجدید علاقه خود به خلقت است یا خدا، به یک معنا، در حال بازسازی خلقت در تقریباً یک عمل خلاقانه شبه جدید است. اجازه دهید فقط به چند مورد از آنها اشاره کنم.

ما وقت نداریم که به جزئیات زیادی بپردازیم، اما برای مثال، در پیدایش فصل ۸، آیات ۱۷ و ۲۰، می‌بینیم که آب تمام خلقت را پوشانده است، شاید به همان روشی که روح بر فراز اعماق آب یا خلقت آبی در پیدایش فصل ۱ و آیه ۲ شناور است. بنابراین، در فصل‌های ۸ و ۱۷-۲۰، هر نوع موجود زنده‌ای را که با شماست بیرون بیاورید: پرندگان، حیوانات، همه موجوداتی که روی زمین حرکت می‌کنند تا بتوانند روی زمین تکثیر شوند. بنابراین، نوح به همراه پسرانش و همسرش و همسران پسرانش، همه حیوانات و همه موجوداتی که روی زمین حرکت می‌کنند، بیرون آمد و همه پرندگان و هر چیزی که روی زمین حرکت می‌کند، یکی پس از دیگری از کشتی بیرون آمدند و سپس نوح کشتی ساخت. در واقع، این آن کشتی‌ای نیست که من می‌خواستم.

این فصل ۷ است. چهل روز سیل بر زمین بارید و آب‌ها فزونی یافتند و کشتی را از زمین بلند کردند. آب‌ها بر زمین بالا آمدند و بسیار زیاد شدند و کشتی بر سطح آب شناور بود. آب‌ها بر زمین بسیار بالا آمدند و همه کوه‌های بلند زیر زمین و آسمان‌ها پوشیده شدند.

آب‌ها بالا آمدند و کوه‌ها را تا عمق بیش از بیست فوت پوشاندند. تا آن زمان باید این تصویر را داشته باشید که آب‌ها تمام خلقت را پوشانده‌اند، شاید به عنوان بازتابی از پیدایش ۱-۲، جایی که روح بر فراز اعماق آب شناور است. سپس در پیدایش ۱۱: ۸-۱۴ می‌بینیم که خشکی پدیدار می‌شود، شاید به عنوان بازتابی از پیدایش ۱، جایی که خشکی در روز سوم خلقت پدیدار می‌شود، جایی که آب جدا می‌شود و خشکی پدیدار می‌شود.

بنابراین، در روایت سیل، آب‌ها فروکش می‌کنند و خشکی پدیدار می‌شود. فصل ۸ با آیه ۱۱ شروع می‌شود وقتی کبوتر برگشت، نوح کبوتری دیگر فرستاد؛ وقتی کبوتر عصر به نزد او برگشت، در منقارش یک برگ زیتون تازه چیده شده بود.

آنگاه نوح فهمید که آب از زمین فروکش کرده است. او دوباره روزهای بیشتری صبر کرد و کبوتر خود را دوباره بیرون فرستاد، اما این بار، کبوتر برگشت. تا روز اول ماه اول سال ۶۰۱ نوح، آب از زمین خشک شده بود و نوح سپس پوشش کشتی را کنار زد و دید که سطح زمین خشک است.

بنابراین، این تصویر از خشکی در حال ظهور، و همچنین شاید اشاره به برگ زیتونی که کبوتر چید، منعکس کننده پوشش گیاهی است که در اولین عمل آفرینش در پیدایش ۱ پدیدار می‌شود. اما سومین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، علاوه بر آبی که زمین را پوشانده است، علاوه بر خشکی و حتی گیاهان در حال ظهور سومین نکته، فرمان آفرینشی است که به آدم داده شده است، که در فصل ۹ نیز برای نوح تکرار می‌شود. بنابراین، همانطور که نوح و خانواده‌اش پس از پدیدار شدن آب‌ها در این نوع آفرینش جدید، یک عمل آفرینش جدید، در فصل ۹، آیه ۱، از کشتی در خشکی بیرون آمدند. سپس خدا نوح و پسرش را برکت داد و به آنها گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر کنید. و آیه ۷: و اما شما، بارور و کثیر شوید، در زمین تکثیر شوید و بر آن بیفزایید. در واقع، همین فرمان به حیوانات داده شده است.

آیه ۱۷: هر نوع موجود زنده را بیرون بیاورید؛ این فصل ۸، آیه ۱۷ است، یعنی با شما، پرندگان، حیوانات و تمام موجوداتی که در زمین حرکت می‌کنند تا بتوانند روی زمین تکثیر شوند و بارور و زیاد شوند. بنابراین همان فرمانی که به آدم و حوا و حیوانات داده شد تا زیاد شوند و بارور شوند، تکثیر شوند و زمین را پر کنند، اکنون به نوح و حیواناتی که از کشتی بیرون می‌آیند، داده شده است. بنابراین، در نتیجه، فکر می‌کنم این ارتباطات نشان می‌دهد که روایت سیل، به یک معنا، هم خلقت و هم آفرینش است.

این یک آفرینش و داوری توسط آبی است که تمام زمین را پوشانده است، به نوعی خنثی کردن، داوری خلقت اول و سپس یک عمل خلاقانه جدید که از فصل‌های ۱ و ۲ کتاب پیدایش الگوبرداری شده است. یک عمل خلاقانه جدید که در آن آب فروکش می‌کند، زمین خشک پدیدار می‌شود و حیات گیاهی پدیدار می‌شود، و سپس مأموریت مجدد به آدم مانند نوح در فصل ۹ کتاب پیدایش داده می‌شود. بنابراین، در فصل کتاب پیدایش، روایت سیل را می‌توان به نوعی در مسیر یک خلقت جدید دانست. این نوعی عمل خلاقانه ۹ شبه جدید است که در آن خدا خلقت اول خود را با آب داوری می‌کند اما سپس شروع به شکل دادن به یک خلقت جدید می‌کند، همچنین بار دیگر تعهد خدا به خلقت اول را نشان می‌دهد که قرار نیست کل طرح را کنار بگذارد و به سادگی از نو شروع کند.

نقطه توقف بعدی پس از روایت طوفان نوح، احتمالاً فصل ۱۲ پیدایش است. در پیدایش ۱۲، آیات ۱ تا ۲ روایتی طولانی را آغاز می‌کنیم که در آن ابراهیم شخصیت اصلی است و در بخش بزرگی از کتاب پیدایش، از فصل ۱۲، حضور دارد. در پیدایش، فصل‌های ۱۲، ۱ و ۲، سه آیه اول پیدایش ۱۲ را خواهیم خواند، بخشی از وعده خدا به ابراهیم در هنگام تثبیت آنچه که به عنوان عهد ابراهیمی شناخته می‌شود، که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

ضمناً، یک نکته‌ای که باید اینجا بگویم کمی حاشیه‌ای است اما لازم است گفته شود، حداقل در مورد اولین موضوع پرداختن به این موضوعات جدا از هم غیرممکن است. وقتی شروع به پرداختن به یک موضوع می‌کنید، تقریباً ناگزیر باید به موضوعات دیگر هم پردازید و آن را با موضوعات دیگر ادغام کنید.

در واقع، خواهیم دید که برخی از همان متونی که در خلقت با آنها سروکار داریم، مانند خلقت جدید، در ارتباط با سایر مضامین مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بنابراین، غیرممکن است که به سادگی با این موارد به صورت جداگانه برخورد کنیم. آنها بسیار نزدیک به یکدیگر مرتبط هستند.

بنابراین، موضوع سرزمین مربوط به ابراهیم، ارتباط نزدیکی با عهد و تعدادی از مضامین دیگر نیز دارد، بنابراین، بعداً وقتی به موضوع عهد و پیمانی که خدا با ابراهیم بست، از اینجا و جاهای دیگر در پیدایش می‌پردازیم، دوباره به این فصل خواهیم پرداخت. اما اجازه دهید این سه آیه اول فصل ۱۲ را بخوانم.

خداوند به ابراهیم گفت، سرزمین خود، قوم خود و خانه پدرت را ترک کن و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد برو. و من از تو ملتی بزرگ خواهم ساخت. تو را برکت خواهم داد.

نام تو را بزرگ خواهم ساخت و تو برکت خواهی بود. و کسانی را که تو را مبارک خوانند، برکت خواهم داد. هر که تو را نفرین کند، من او را نفرین خواهم کرد و همه مردم زمین از طریق تو برکت خواهند یافت.

حال، به برخی از ارتباطات با خلقت توجه کنید. به زبان برکت و نفرین که می‌تواند به خلقت مربوط باشد توجه کنید. بعداً، مسئله نسل، نسل یا فرزندان ابراهیم، به نسل زن در فصل ۳ پیدایش مرتبط می‌شود.

بنابراین، انواع و اقسام ارتباطات دیگر وجود دارد. اما می‌خواهم در همان آیه اول توجه کنید که قصد خدا از فراخواندن ابراهیم در اینجا، در نهایت آوردن او به سرزمین موعود است. بنابراین، خدا وعده می‌دهد که ابراهیم را به سرزمینی خواهد آورد.

حالا سوال فوری من این است که چرا او قرار است او را به سرزمینی ببرد؟ هدف از این کار چیست؟ چرا این سرزمین نه؟ چرا قرار است به سرزمین دیگری برود؟ در نهایت، و برای اهداف ما، کافی است بدانیم که این برای تحقق وعده خدا در خلقت در پیدایش ۱ و ۲ است. آدم و حوا از سرزمین رانده شدند. بنابراین، در پیدایش ۱ و ۲، خدا سرزمینی، محیطی مناسب برای زندگی آدم و حوا ایجاد می‌کند. او آنها را در عدن، در پناهگاه باغ، جایی که خدا با قوم خود ساکن است، قرار می‌دهد.

او آنها را در آنجا قرار می‌دهد تا از آنها مراقبت کند و آنها را نگه دارد، و از آنها به عنوان محل سکونت خدا محافظت کند. با این حال، آدم و حوا گناه می‌کنند و از سرزمین رانده می‌شوند. حال، فکر می‌کنم آنچه در فصل ۱۲ می‌بینیم این است که خدا اکنون در حال تحقق بخشیدن به نیت خود برای بازگرداندن قومش به سرزمینی است که در ابتدا برای آنها در پیدایش ۱ و ۲ در نظر گرفته بود تا از آن لذت ببرند. باز هم ارتباطات متعدد دیگری بین پیدایش ۱ و ۲ و روایت اینجا خواهیم دید.

اما نکته این است که آدم آغاز نقشه خدا برای اصلاح آنچه در پیدایش ۱ و ۲ در سطوح مختلف رخ داد است. اما یکی از آن سطوح، وعده سرزمین است. خدا در پیدایش ۱ و ۲ سرزمینی را برای قوم خود خلق می‌کند تا از آن لذت ببرند.

آنها به دلیل گناه از آن تبعید شده‌اند. حال، در شرایط فعلی، همانطور که گفتیم، خدا نمی‌تواند نقشه خود را لغو کند. اما خدا اکنون این کار را خواهد کرد؛ عهد عتیق و عهد جدید نوعی راه حل برای اختلافات هستند.

چگونه مناقشه‌ای که در فصل ۳ سفر پیدایش مطرح شده است، حل خواهد شد؟ اکنون، شاهد حل و فصل آن هستیم که در حال وقوع است. ما آن را به نوعی پیش‌بینی شده و مورد انتظار در عمل شبه‌خلاقانه در پیدایش ۸ و ۹ در روایت سیل دیدیم. اما اکنون شاهدیم که حل و فصل آن با فراخواندن ابراهیم توسط خداوند و اکنون آوردن او به سرزمینی آغاز می‌شود.

یعنی، اکنون خدا شروع به تحقق بخشیدن به هدف قوم خود از سکونت در یک سرزمین می‌کند. و بعداً خواهیم دید که خدا در میان آنها ساکن می‌شود. اما ابراهیم آغاز نقشه خدا برای اصلاح آنچه در پیدایش ۱ و ۲ رخ داد، یعنی اخراج آدم و حوا از سرزمین، است.

اکنون، خدا در پیدایش ۱ و ۲ قصد خود را برای بازگرداندن آنها به سرزمینی که برای لذت بردنشان آفریده است، نشان می‌دهد. چیزهای بیشتری برای گفتن وجود دارد، اما حداقل در این مرحله، پیدایش ۱۲ فقط مجزا نیست؛ این بخش جدیدی از داستان است. این به پیدایش ۱ و ۲ متصل می‌شود و قصد خدا را برای اصلاح آنچه در آنجا اشتباه بوده است، بیان می‌کند. یک نقطه توقف دیگر، فقط برای اشاره‌ای بسیار بسیار کوتاه، اما یک نقطه توقف دیگر احتمالاً باید خروج باشد.

در کتاب خروج، احتمالاً فصل‌های اولیه خروج را باید به نوعی به عنوان خلقتی جدید نیز در نظر گرفت. بدیهی است که خروج، همانطور که بعداً در عهد عتیق می‌بینید، در ادبیات اسرائیل، به نمونه‌ای عالی از رستگاری قوم خود توسط خدا و اقدام برای نجات قومش از بردگی و خروج از مصر تبدیل می‌شود. اما در سطحی دیگر، خروج احتمالاً باید به عنوان خلقتی جدید نیز در نظر گرفته شود.

در واقع، یکی از متون کتاب مقدس بین عهدین، خروج را خلقتی جدید می‌نامد. این متن چیزی شبیه به این می‌گوید که، به یک معنا، خدا در حال آفرینش است، گویی چیزها را از نو می‌آفریند. به عنوان مثال، گرگ، بیل استدلال کرده است که با آمدن همه بلاها، آنها به عنوان داوری بر زمین در نظر گرفته شده بودند، مشابه روشی که خدا زمین را با سیل داوری کرد.

بنابراین، ده بلائی که خدا بر موسی نازل کرد، بر سرزمین مصر، می‌توانست به عنوان یک آفرینش یا داوری بر زمین تلقی شود. توجه داشته باشید که یک بار دیگر، موضوع، حتی دریای سرخ، ممکن است ببینیم، من استدلال می‌کنم، و بعداً این را خواهیم دید، زیرا بعداً با جزئیات بیشتری به موضوع خروج خواهیم پرداخت اما پخش شدن آب، یا از بین رفتن آب، به طوری که زمین خشک پدیدار شود، به نظر می‌رسد که روایت خلقت در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش را نیز منعکس می‌کند. در آنجا، دوباره، خدا، چیزی که برای مردم تهدیدآمیز است، چیزی که مانع است، چیزی که بی‌نظم است، اکنون برداشته می‌شود تا مردم بتوانند از روی زمین خشک، در مسیر خود به سوی میراثشان، عبور کنند.

که همان سرزمینی است که در پیدایش فصل ۱۲ به ابراهیم وعده داده شده بود. بنابراین، این مضمون بلاها به عنوان داوری بر زمین، خروج به نوعی خلقت جدید است، حذف آب، تا مردم بتوانند از آن عبور کنند و در نهایت به سرزمین موعودی که خدا به آنها داده است، بروند. همه اینها نشان می‌دهد که به یک معنا، خروج را می‌توان به عنوان خلقت جدید نیز در نظر گرفت.

فقط خلاصه می‌کنم، به هیچ متنی با جزئیات نگاه نمی‌کنم، اما بدیهی است که روایت‌های عهد عتیق مربوط به فتح سرزمین کنعان، تحقق وعده‌ای است که به ابراهیم و پدران قوم داده شده و از پیدایش ۱۲ و جاهای دیگر شروع می‌شود. بدیهی است که پس از ابراهیم، به دیگر پدران قوم نیز وعده سرزمینی داده شد که خدا در ابتدا به ابراهیم وعده داده بود. بنابراین روایت‌های عهد عتیق درباره فتح سرزمین کنعان، که از یوشع و جاهای دیگر شروع می‌شود، تحقق وعده‌ای است که به ابراهیم داده شده بود، اما همچنین تحقق نیت خدا برای خلقت در پیدایش ۱ و ۲ است. این تدارک لطف‌آمیز سرزمینی است که خدا قبلاً در پیدایش ۱ و ۲ ایجاد کرده بود. آدم و حوا به دلیل گناه از دست دادند، اما اکنون، با شروع از ابراهیم و اکنون که در فتح محقق می‌شود، خدا با بازگرداندن مردم به سرزمین پس از اخراج آدم و حوا در پیدایش فصل‌های ۱ و ۲ و به ویژه پیدایش ۳، این امر را محقق می‌کند.

اما، مانند آدم و حوا، همانطور که داستان ادامه دارد، درست مانند آدم و حوا، اسرائیل در سرزمین نافرمانی می‌کند و از سرزمینی که هدیه خدا به آنها بود، به عنوان مکان برکت خدا و به عنوان مکان حضور خدا تبعید می‌شوند. برای اینکه یک بار دیگر به شما نشان دهم که این مضامین همگی به هم مرتبط هستند، این بخشی از وعده عهد بود، که خدا قول داد اگر آنها اطاعت کنند، برکتی در سرزمین خواهد بود، اما به دلیل نافرمانی، نفرین و اخراج و تبعید وجود خواهد داشت. و این دقیقاً همان چیزی است که اتفاق می‌افتد.

بنابراین، به ویژه وقتی به برخی از آنچه که پیامبران پیش از تبعید یا تبعیدی نامیده می‌شوند، می‌پردازید، شروع به خواندن داستان چگونگی تبعید شدن ابتدا پادشاهی شمالی اسرائیل و سپس پادشاهی جنوبی یهودا، از سرزمینی که خدا آنها را آورده بود، جایی که به ابراهیم وعده داده بود، در تحقق پیدایش ۱ و ۲، می‌کنید. اکنون، آنها درست مانند آدم و حوا از خلقت اولیه تبعید شده‌اند. بنابراین، این ما را با این سوال مواجه می‌کند، و سپس یک بار دیگر، همان سوالی که در پیدایش ۳ دیدیم، دوباره مطرح می‌شود. چگونه خدا قوم خود را به سرزمینشان باز خواهد گرداند؟ چگونه این سرزمین دوباره به مکانی تبدیل خواهد شد که قوم خدا در آن ساکن شوند و خدا در میان آنها ساکن شود؟ چگونه خدا این اختلاف را حل خواهد کرد؟ چگونه او به وعده خود عمل خواهد کرد؟ از پیدایش ۱ و ۲ شروع می‌شود، اما سپس با ابراهیم در پیدایش فصل ۱۲ شروع می‌شود.

پاسخ در متون نبوی و پیامبران نهفته است. جایی که پیامبران بارها و بارها، علاوه بر چیزهای دیگر، پیش‌بینی می‌کنند و خواهیم دید که متون نبوی نقش کلیدی در توسعه تعدادی از این مضامین ایفا می‌کنند. پیامبران زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که خداوند بار دیگر قوم خود را به سرزمینشان باز خواهد گرداند.

باز هم، در تحقق پیدایش ۱ و ۲، و همچنین در تحقق وعده‌ای که در پیدایش ۱۲ به ابراهیم داده شد، که هر دو با هم هستند. اینها دو چیز جدا از هم نیستند. اما پیامبران در تحقق پیدایش ۱ و ۲ و پیدایش ۱۲ زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که خداوند قوم خود را به سرزمینشان باز خواهد گرداند.

بنابراین، نیت خدا برای بازآفرینی سرزمینی به منظور فراهم کردن مکانی مناسب برای سکونت قومش و اینکه خدا بتواند با آنها زندگی کند، محقق خواهد شد. بنابراین، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که به سادگی به برخی از متون نبوی آشکارتر به عنوان نمونه‌هایی از چگونگی اجماع متون نبوی نگاه کنم. می‌توانیم به تعدادی دیگر اشاره کنیم، اما برای نشان دادن اینکه چگونه متون نبوی در پیش‌بینی بازگشت قوم خدا به سرزمین اسرائیل اجماع دارند.

و فکر می‌کنم نقطه شروع متن، فصل‌های ۳۶ و ۳۷ کتاب حزقیال باشد. باز هم، می‌توان به متنی در کتاب زکریا، متنی در کتاب ارمیا و متنی در تقریباً هر کتاب نبوی که بازگشت از سرزمین پس از تبعید را پیش‌بینی می‌کند، اشاره کرد. همانطور که اسرائیل از الگوی آدم و حوا در بودن در سرزمین پیروی کرد، نافرمانی باعث تبعید شد.

حال، متون نبوی، بازگشت به سرزمین را در تحقق پیدایش ۱ و ۲ و پیدایش باب ۱۲ پیش‌بینی می‌کنند. حزقیال ۳۶ و ۳۷، در واقع حزقیال ۳۷ تا انتهای کتاب، باب ۴۸. اما من فقط برای لحظه‌ای بر روی چند بخش از حزقیال باب ۳۶ و ۳۷ تمرکز می‌کنم که در آنها خداوند قصد خود را برای بازگرداندن مردم به سرزمین توصیف می‌کند.

و در برخی از این متون، ارتباطات روشنی با پیدایش ۱ و ۲ و پیدایش ۱۲ نیز وجود دارد. بار دیگر، این فقط این نیست که خدا آنها را به سرزمینشان بازگرداند، صرفاً به این دلیل که آنها به جایی برای زندگی نیاز دارند بلکه نیت خدا به پیدایش ۱ و ۲ برمی‌گردد. بنابراین در حزقیال ۳۶ و ۳۷، می‌بینیم که خدا زمانی را پیشگویی می‌کند که در آن قوم را از تبعید جمع می‌کند و آنها را به سرزمینشان بازمی‌گرداند.

بنابراین، برای مثال، در فصل ۳۶، من فقط بخش کوچکی از آیات ۱۷ تا ۱۸ را خواهم خواند. آیه ۱۶ را نیز خواهم خواند. و کلام خداوند به من گفت، ای پسر انسان، که این روش خدا برای خطاب قرار دادن حزقیال در این متون است.

ای پسر انسان، هنگامی که قوم اسرائیل در سرزمین خود زندگی می‌کردند، آن را با کردار و اعمال خود نجس ساختند. این سرزمینی است که خدا در راستای وعده‌های خود به ابراهیم و پیدایش ۱ و ۲ به ایشان داده بود. آنها آن را با کردار و اعمال خود نجس کردند. کردار آنها در نظر من مانند نجاست ماهانه یک زن بود.

پس خشم خود را بر ایشان فرو ریختم، زیرا در زمین خون ریخته بودند و آن را با بت‌های خود آلوده کرده بودند. ایشان را در میان قوم‌ها پراکنده ساختم و ایشان در میان کشورهای پراکنده شدند. ایشان را بر حسب رفتار و کردارشان داوری کردم.

و آیه ۲۴، زیرا شما را از میان امت‌ها بیرون خواهم آورد. شما را از همه کشورهای جمع خواهم کرد و به سرزمین خودتان باز خواهم گرداند. و همچنین آیه ۲۸.

شما در سرزمینی که به پدرانان دادم، زندگی خواهید کرد. این وعده‌هایی است که به ابراهیم و اسحاق داده شد و برای اسحاق و یعقوب نیز تکرار شد. من شما را به سرزمینی که به پدرانان دادم، باز خواهم گرداند.

شما قوم من خواهید بود و من خدای شما. فرمول عهد وجود دارد، بنابراین سرزمین و عهد نیز به هم مرتبط هستند. اما نکته من این است که در تمام این متون توجه کنید که خداوند قصد دارد قوم خود را به سرزمین بازگرداند، که آن را به وعده‌ای که خداوند به اجداد خود در پیدایش ۱۲ داده بود، مرتبط می‌کند، که ما استدلال کردیم بخشی از تحقق نیت خداوند در پیدایش ۱ و ۲ است، مبنی بر اینکه قوم او در سرزمین سرزمین یا زمین دلپذیری که خداوند برای قوم خود خلق می‌کند، زندگی خواهند کرد.

برای رفتن به فصل بعدی، فصل ۳۷ کتاب حزقیال. ۳۷ و آیات ۲۱ تا ۲۳. و خداوند به حزقیال می‌گوید که به مردم بگوید؛ این چیزی است که خداوند متعال می‌گوید.

من بنی اسرائیل را از میان ملت‌هایی که به آنها تبعید شده‌اند، بیرون خواهم آورد. من آنها را از هر سو جمع خواهم کرد و به سرزمین خودشان باز خواهم گرداند. من آنها را در سرزمینی بر فراز کوه‌های اسرائیل، یک ملت خواهم ساخت.

یک پادشاه بر همه آنها خواهد بود و آنها دیگر هرگز دو ملت نخواهند بود و به پادشاهی تقسیم نخواهند شد. آنها دیگر خود را با بت‌ها و مجسمه‌های زشت و یا با هیچ یک از گناهان دیگرشان نجس نخواهند کرد، زیرا من آنها را از همه ارتدادهای گناه آلودشان نجات خواهم داد.

من آنها را پاک خواهم کرد. آنها قوم من خواهند بود. من خدای آنها خواهم بود.

دوباره فرمول عهد وجود دارد. آیه ۲۵. آنها در سرزمینی که به بندهام یعقوب دادم، سرزمینی که پدرانان در آن زندگی می‌کردند، ساکن خواهند شد.

بنابراین، در این بخش، خداوند قصد خود را برای بازگرداندن قوم به سرزمینشان، در راستای تحقق وعده‌ای که به ابراهیم داده بود مبنی بر اعطای زمین به آنها، بیان می‌کند. و باز هم، تکرار می‌کنم، وعده سرزمین به ابراهیم قرار بود تحقق نیت اولیه خداوند برای بشریت از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش باشد. بنابراین اکنون شاهد اوج‌گیری این موضوع در مورد سرزمین هستیم، حداقل در این برهه، در انتظار پیامبر عهد عتیق برای روزی که خداوند قوم خود را در راستای تحقق نیت اولیه‌اش به سرزمینشان بازگرداند. یکی از ویژگی‌های جالب این موضوع نیز این است که در هر دو بخشی که در حزقیال ۳۶ و ۳۷ خوانده‌ام، به صراحت به پدران، به ابراهیم و وعده‌ای که به ابراهیم داده شده است، اشاره شده است.

اما چند اشاره به باغ عدن نیز وجود دارد که نشان می‌دهد بازگشت به سرزمین، به نظر من، بازگشت به تحقق اهداف خدا برای عدن نیز بوده است. بنابراین، به فصل ۳۶ برمی‌گردیم و از آیه ۳۰ شروع می‌کنیم. این در چارچوب بازگرداندن آنها به سرزمین توسط خدا در آیه ۲۸ است.

حالا آیات ۲۹ و ۳۰ را می‌خوانم. من شما را از تمام نامهربانی‌هایتان نجات خواهم داد، غله را فرا خواهم خواند و آن را فراوان خواهم کرد و دیگر قحطی بر شما نخواهم آورد. میوه درختان و محصولات مزرعه را فراوان خواهم کرد تا دیگر به دلیل قحطی در میان ملت‌ها شرمنده نشوید.

به آن عبارت افزایش میوه و افزایش محصول توجه کنید. حال، این می‌تواند صرفاً یک مضمون کلی برکت و باروری باشد، که احتمالاً همینطور است، اما مورد بعدی مرا به این فکر می‌اندازد که ممکن است ارتباطی

هم داشته باشد: دو مورد بعدی با عدن مرتبط هستند. بنابراین، در آیه ۲۵، آیه ۳۴ را می‌خوانم؛ این هنوز فصل ۳۶ کتاب حزقیال است.

فصل ۳۶ از کتاب حزقیال، آیه ۳۴. سرزمین ویران به جای اینکه در نظر همه کسانی که از آن عبور می‌کنند ویران بماند، کشت خواهد شد. آنها خواهند گفت که این سرزمین که ویران شده بود، مانند باغ عدن شده است.

شهرهایی که ویران، متروک و نابود شده بودند، اکنون مستحکم و مسکونی شده‌اند. بنابراین، به ارتباط واضح آن با باغ عدن توجه کنید. باز هم، می‌توان گفت که این فقط استعاره‌ای است برای اینکه احتمالاً زمین چقدر زیبا خواهد شد.

اما باز هم، وقتی از نظر کتاب مقدس و الهیاتی به این موضوع نگاه می‌کنید، به سختی می‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که این چیزی بیش از یک استعاره برای چگونگی شکل‌گیری سرزمین است. نویسنده قصد خود را بیان می‌کند که خداوند اهداف خود را برای قومش، که در ابتدا در باغ عدن بود، احیا می‌کند. به نظر من فصل ۳۶ و آیه ۱۱ اشارات واضح دیگری به پیدایش ۱ و ۲ هستند. در واقع، من به عقب برمی‌گردم و با آیه ۹ حزقیال ۳۶، آیه ۹ شروع می‌کنم. من نگران شما هستم و با لطف به شما نگاه خواهم کرد، ۹.

زمینت شخم زده و کاشته خواهد شد. من تعداد مردم، یعنی تمام خاندان اسرائیل، را بر تو خواهم افزود. شهرها مسکونی خواهند شد و ویرانه‌ها بازسازی خواهند گردید.

من تعداد انسان‌ها و حیوانات را بر شما افزایش خواهم داد و آنها بارور و کثیر خواهند شد. من مانند گذشته مردم را بر شما مستقر خواهم کرد و شما را بیش از پیش موفق خواهم ساخت. توجه کنید که زبان انسان‌ها و حیوانات، بارور بودن و افزایش یا تکثیر در زمین است، که به نظر من اشاره‌ای واضح به پیدایش ۱ و ۲ و قصد خدا برای خلقت اولیه‌اش است ۱.

بنابراین، کتاب حزقیال، به ویژه آیات ۳۶ و ۳۷، اما فکر می‌کنم می‌توانیم متون دیگری را نیز پیدا کنیم، و تا انتهای کتاب حزقیال، قصد خدا را برای گرد هم آوردن قومش و بازگرداندن آنها از تبعید و بازگشت به سرزمینشان در راستای این ارتباط الهیاتی کتاب مقدس، تحقق پیدایش ۱۲ و وعده‌های خدا به ابراهیم و پدران، و همچنین بازگشت به باغ عدن و نشان دادن بازگشت به سرزمین، در نهایت بیانگر قصد خدا برای تمام خلقت و قصد او است که در اولین عمل خلاقانه‌اش در پیدایش ۱ و ۲ بیان شده است. باز هم، خدا قرار نیست آن را کنار بگذارد، و آن نقشه الف بود که جواب نداد؛ بیایید نقشه ب را امتحان کنیم، اما خدا قصد دارد اهداف خود را برای خلقتش محقق کند. متن مهم دیگری در دو مورد از آنها یافت می‌شود که در کتاب اشعیا، اشعیا نبی، به آنها خواهیم پرداخت. در اشعیا باب ۶۰، به همین ترتیب، می‌توانیم به انواع متون اشعیا نگاه کنیم، به خصوص از باب ۴۰، جایی که خدا بارها و بارها شروع به بیان قصد خود برای بازگرداندن قومش به سرزمینشان می‌کند.

فصل ۴۰ در واقع فصل شناخته‌شده‌ای است: خداوند می‌گوید: قوم مرا تسلی دهید، تسلی دهید، با اورشلیم با مهربانی سخن بگویید، به او اعلام کنید که خدمتش به پایان رسیده است. آیه ۳، صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند، راه خداوند را آماده می‌کند، شاهراهی برای خدای ما. هر دره‌ای برافراشته خواهد شد، هر کوه و تپه‌ای پست خواهد شد، زمین ناهموار هموار خواهد شد، ناهمواری‌ها هموار خواهند شد، جلال خداوند آشکار خواهد شد.

این خداست که در اشعیا ۴۰ نیت خود را برای بازگرداندن قوم به سرزمینشان در یک عمل خلاقانه جدید بیان می‌کند. متنی که می‌خواهم به آن نگاه کنم، اشعیا، فصل ۶۰ است. در اشعیا فصل ۶۰، که شروع به

توصیف یا پیش‌بینی بازگشت قوم خدا که اکنون در تبعید هستند، می‌کند، فصل ۶۰، برخیز و بدرخش، زیرا نور تو آمده است و جلال خداوند بر تو طلوع می‌کند.

حالا متوجه خواهید شد، حداقل در ترجمه انگلیسی، کلمه «سرزمین» یا کلمه «عدن» یا چیزی شبیه به آن را پیدا نمی‌کنید، اما به وضوح این مفهوم از بازگشت مردم به سرزمینشان را می‌بینید. برخیز و بدرخش زیرا نور تو آمده است و جلال خداوند بر تو طلوع می‌کند. ببین، تاریکی زمین را پوشانده و تاریکی غلیظ بر مردم حاکم است.

اما خداوند بر تو طلوع می‌کند، جلال او بر تو ظاهر می‌شود. ملت‌ها به سوی نور تو، یعنی به اورشلیم، به سوی اسرائیل، و پادشاهان به سوی روشنائی سپیده‌دم تو خواهند آمد. چشمان خود را بلند کن و به اطراف خود بنگر، همه جمع شو و به سوی تو آیند.

پسرانت از دوردست‌ها می‌آیند و دخترانت بر روی بازوهایشان حمل می‌شوند. آنگاه خواهی نگرست و خواهی درخشید و قلبت از شادی خواهد تپید و سرشار خواهد شد. ثروت دریاها نزد تو آورده خواهد شد؛ ثروت ملت‌ها نزد تو خواهد آمد.

به آیه ۹ می‌روم. بی‌شک جزایر به من چشم دوخته اند، در پیشاپیش آنها کشتی‌های ترشیش هستند که پسرانت را از دوردست‌ها با نقره و طلای خود، به افتخار یهوه، خدای تو، قدوس اسرائیل، که تو را با شکوه و جلال بخشیده است، می‌آورند. آیه ۱۰، بیگانگان دیوارهای تو را بازسازی خواهند کرد، پادشاهان به تو خدمت خواهند کرد. می‌توانیم ادامه دهیم و فصل ۶۰ کتاب اشعیا را بیشتر بخوانیم، و من شما را تشویق می‌کنم که بقیه آن را بخوانید زیرا کل این فصل به احیای قوم خدا اختصاص دارد.

بنابراین، این موضوع به موضوع قوم خدا نیز می‌پردازد. اما اشعیا ۶۰ بازگشت قوم خدا، احیای قوم خدا به سرزمین را توصیف می‌کند. بار دیگر، در چارچوب متون مقدس، این امر در راستای تحقق وعده‌های خدا به ابراهیم و همچنین نیت اولیه او برای خلقت است.

شاید یکی از کامل‌ترین عبارات نبوی در این مورد در اشعیا، فصل ۶۵ یافت شود. و اشعیا فصل ۶۵، به طرز بسیار جالبی، این مفهوم احیای سرزمین را در نظر می‌گیرد و به نوعی آن را چند نکته کلیدی ارتقا می‌دهد. از آیه ۱۷، وعده بازگشت قوم از تبعید به سرزمین، اکنون به عنوان خلقتی جدید درک می‌شود.

و در اینجا زبان خلقت جدید را می‌یابیم. در واقع، زبان آسمان‌ها و زمین جدید را می‌یابیم که به زودی خواهیم دید، و به نظر می‌رسد که روایت پیدایش را نیز به یاد می‌آورد. بنابراین، ارتباطات بی‌شماری با فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش وجود دارد. بنابراین، همانطور که گفتم، به نظر می‌رسد که این، انتظارات بازگشت به سرزمین را به یک کلید جدید ارتقا می‌دهد، جایی که انتظارات از احیا اکنون فراتر از سرزمین فلسطین گسترش یافته و اکنون یک کیهان کاملاً بازآفرینی شده یا یک خلقت جدید را در بر می‌گیرد.

بنابراین، از فصل ۶۵ اشعیا و با آیه ۱۷ شروع می‌کنیم: «اینک من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید چیزهای پیشین به یاد نخواهند آمد و به خاطر نخواهند آمد. بلکه از آنچه من می‌آفرینم تا ابد شاد و مسرور باشید، زیرا اورشلیم را برای شادی و قومش را برای سرور خواهم آفرید.»

من از اورشلیم شادمان خواهم شد و از قوم خود لذت خواهم برد. دیگر صدای گریه و ناله در آن شنیده نخواهد شد. و چند آیه دیگر را نیز در ادامه خواهیم خواند.

، اما به مورد اول در آیه ۱۷ توجه کنید. اینک، من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید. بنابراین خداوند اکنون قصد خود را برای بازگرداندن مردم از تبعید بیان می‌کند، اما اکنون نه فقط از نظر بازگشت به سرزمین کنعان، سرزمین موعود، بلکه اکنون از نظر سکونت در یک کیهان کاملاً بازآفرینی شده

و می‌خواهم به تمام ارتباطات آن با فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش توجه کنید. اولین موردی که قبلاً به آن اشاره کردیم در آیه ۱۷ است، جایی که آسمان‌ها و زمین جدید، ترتیب خلقت اولیه در پیدایش ۱ و ۲ را به یاد می‌آورند. این در فصل ۱ و آیه ۱ پیدایش است، جایی که نویسنده می‌گوید، در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. اکنون می‌بینیم که خدا آسمان‌های جدید و زمین جدیدی را خلق می‌کند. بنابراین حتی از نظر واژگانی زبان آسمان‌ها و زمین، که در اینجا در اشعیا ۶۵، ۱۷ تکرار شده است، عمل خلقت اولیه را به یاد می‌آورد.

به همان روشی که در بخش دوم فصل ۱۷، چیزهای پیشین به یاد آورده نخواهند شد. شاید هم اشاره‌ای به خلقت پیشین و همچنین وضعیت آنها در تبعید باشد. بنابراین، آسمان‌ها و زمین جدید، عمل خلقت اولیه در پیدایش ۱ و ۱ را به یاد می‌آورند. در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید.

حالا، خدا آسمان و زمین جدیدی خلق می‌کند. دوم، واقعیت این است که وقتی ادامه می‌دهید و آیه ۲۰ را می‌خوانید، این واقعیت که مرگ زودرس وجود ندارد، به نظر می‌رسد که نفرین مرگ ناشی از گناه آدم را به یاد می‌آورد. به آیه ۲۰ نگاه کنید: زیرا دیگر هرگز نوزادی که فقط چند روز زندگی کند، یا پیرمردی که تمام عمرش را سپری نکند، در آن نخواهد بود.

کسی که در صد سالگی بمیرد، جوان پنداشته خواهد شد. کسی که به صد سالگی نرسد، ملعون شمرده خواهد شد. خانه‌ها خواهند ساخت و در آنها ساکن خواهند شد، تاکستان‌ها غرس خواهند کرد و میوه‌های آنها را خواهند خورد و غیره.

اما توجه کنید چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنم این عبارت است که دیگر مرگ زودرس وجود ندارد، هیچ کس که زندگی خود را به طور کامل زندگی نکند، وجود نخواهد داشت. در جای دیگری از اشعیا، پیامبر در واقع زمانی را پیش‌بینی می‌کند که دیگر مرگی وجود نخواهد داشت. اما به هر شکلی که با این موضوع برخورد کنیم، فکر می‌کنم اشعیا احتمالاً با زبانی بسیار شاعرانه صحبت می‌کند و می‌گوید که چگونه آنچه در خلقت اول به دلیل گناه اتفاق افتاد، اکنون در خلقت جدید معکوس خواهد شد.

و بنابراین، به نظر می‌رسد این عبارت که دیگر مرگ زودرسی وجود نخواهد داشت، معکوس شدن آنچه در نتیجه گناه آدم رخ داد را منعکس می‌کند. توجه داشته باشید که نویسنده در آیات ۲۱ و ۲۲ زمانی را تصور می‌کند که دیگر استثمار یا بی‌عدالتی وجود نخواهد داشت. اما می‌خواهم به عبارت مربوط به باروری در سرزمین توجه کنید که دوباره به نظر می‌رسد یادآور عبارت باغ عدن است.

بنابراین، ۲۱ و ۲۲، آنها خانه‌هایی خواهند ساخت و در آنها ساکن خواهند شد؛ این قوم خدا، اسرائیل هستند وقتی که او آنها را به سرزمینشان بازگرداند. آنها تاکستان‌هایی خواهند کاشت و میوه‌های آنها را خواهند خورد. دیگر خانه‌هایی نخواهند ساخت و دیگران در آنها زندگی خواهند کرد یا خواهند کاشت و خواهند خورد.

زیرا چنانکه روزگار یک درخت، روزگار قوم من نیز چنین خواهد بود. بنابراین، متوجه شدم که زبان درختان و باروری به نظر من یادآور زبان عدن است. بنابراین، این خلقت جدید قرار است یک عدن جدید باشد. خلقتی جدید پس از خلقت اول در پیدایش ۱ تا ۳. فکر می‌کنم یک اشاره خاص به عدن وجود دارد، و آن آیه‌ای است که همین الان خواندیم، بخش دوم آیه ۲۲.

زیرا روزهای قوم من همچون روزهای یک درخت خواهد بود. جالب اینجاست که سپتواجینت، ترجمه یونانی عهد عتیق، در اینجا در اشعیا ۶۵ آیه ۲۲، به عنوان روزهای یک درخت زندگی یا به عنوان درخت زندگی، به وضوح با اشاره صریح به درخت زندگی، ارتباطی را به باغ عدن در پیدایش فصل ۲ نشان می‌دهد. بنابراین، اشعیا فصل ۶۵، اشعیا ۶۵ روزی را پیش‌بینی می‌کند که خدا قوم خود را به سرزمین باز خواهد گرداند، اما اکنون به نظر می‌رسد که آن را چیزی بیش از بازگشت به سرزمین فلسطین، بلکه کیهانی نو، خلقتی نو، آسمانی نو و زمینی نو به سبک خلقت اول در پیدایش ۱ و ۲ می‌داند. چیزی مشابه را در فصل ۶۲ و آیه ۶۶ می‌یابید.

دوباره در اشعیا ۶۶ و آیه ۲۲، خداوند می‌گوید: همانطور که آسمان‌ها و زمین جدیدی که من خواهم ساخت، در حضور من پایدار خواهند ماند، نام و نسل شما نیز پایدار خواهند ماند. بنابراین، یک بار دیگر اشعیا با اشاره به خلقت جدید به پایان می‌رسد. آخرین متنی که می‌خواهم به آن پردازم، متون جالبی است که ممکن است آنها را با زمین مرتبط ندانیم، اما تعدادی متن در مزامیر وجود دارد که به نظر می‌رسد روزی را پیش‌بینی می‌کنند که مسیح، زمانی که یک پادشاه، پسر داوود، حکومت می‌کند، سلطنت او گسترش می‌یابد و تمام زمین را در بر می‌گیرد.

تمام زمین میراث او خواهد بود. بنابراین، برای مثال، در مزمور فصل ۲ و آیه ۸، که اغلب توسط محققان به عنوان مزمور سلطنتی نامگذاری شده یا توصیف می‌شود، در مزمور فصل ۲ و آیه ۸، خداوند خطاب به پادشاه، آن مسح شده، می‌گوید: از من درخواست کن و من ملت‌ها را میراث تو و اقصی نقاط زمین را ملک تو خواهم ساخت. تو با عصای آهنین بر آنها حکومت خواهی کرد و آنها را مانند سفال خرد خواهی کرد.

بنابراین، مزمور فصل ۲ آیه ۸ زمانی را پیش‌بینی می‌کند، پیش‌بینی می‌کند که به مسیح، آن مسح شده، در نهایت اقصی نقاط زمین، نه فقط سرزمین فلسطین، بلکه اقصی نقاط زمین به عنوان دارایی او داده خواهد شد. یعنی، به همان روشی که قرار بود آدم و حوا حکومت خدا را گسترش دهند تا کل خلقت را در بر بگیرد، اکنون به نظر می‌رسد که در نهایت در یک مسح شده، یک شخصیت مسیحایی در مزمور فصل ۲ آیه ۸، تحقق می‌یابد، جایی که اقصی نقاط زمین به عنوان دارایی او، به عنوان کسی که بر آن حکومت خواهد کرد، به او داده خواهد شد. مزمور فصل ۸۹، مزمور دیگری که به پادشاه داوود یا یک شخصیت یا حاکم مسیحایی می‌پردازد، در مزمور ۸۹ و آیه ۲۷.

بگذارید به آیه ۲۵ برگردم. دست او را خواهم گذاشت، با اشاره به آیه ۲۰، من بنده خود داوود را یافته‌ام. او را با روغن مقدس خود مسح کرده‌ام.

سپس، در آیه ۲۵، دست او را بر دریا و دست راستش را بر رودخانه خواهم نهاد. او مرا صدا خواهد زد، تو پدر من هستی، خدای من. صخره، نجات‌دهنده من، که یادآور فرمول عهد داوود در دوم سموئیل ۷ است. تو پدر من هستی، من پسر تو خواهم بود.

سپس، آیه ۲۷، او را نخست‌زاده خود، والامقام‌ترین پادشاهان زمین، خواهم گماشت. بنابراین، مزمور ۸۹ نیز زمانی را پیش‌بینی می‌کند که داوود، آن مسح شده، پسر داوود، سرانجام بر تمام زمین، نه فقط بر سرزمین فلسطین، حکومت خواهد کرد. مزمور ۱۱۰.

مزمور ۱۱۰ و آیه ۶، مزمور دیگری که اغلب مزمور مسیحایی نامیده می‌شود. اجازه دهید از آیه ۱ شروع به خواندن کنم. این یک مزمور نسبتاً کوتاه است. مزمور ۱۱۰.

خداوند به خداوند من گفت، در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پایت اندازم. خداوند عصای قدرت تو را از صهبیون خواهد فرستاد. تو در میان دشمنانت حکومت خواهی کرد.

لشکریان تو در روز نبرد، با شکوه و جلال مقدس از رحم سپیده دم، آماده خواهند بود. تو به سن قانونی جوانی خود خواهی رسید. خداوند سوگند یاد کرده است و نظر خود را تغییر نخواهد داد.

تو تا ابد کاهن هستی، در رتبه ملک‌یصدق. خداوند در دست راست توست. او در روز غضب خود پادشاهان را خرد خواهد کرد.

او ملت‌ها را داوری خواهد کرد، مردگان را انبوه خواهد ساخت و حاکمان تمام زمین را سرکوب خواهد کرد. او از نهر کنار راه خواهد نوشید؛ بنابراین، سر خود را بلند خواهد کرد. شما چیزی مشابه را در اشعیا فصل ۹ می‌یابید، که به پسری مسیحایی که قرار است متولد شود نیز اشاره می‌کند.

اما نکته‌ی همه اینها این است که در نهایت، تمام زمین میراث حاکم داوود خواهد بود. حال، وقتی به چند نکته توجه کنید، متوجه اهمیت این موضوع خواهیم شد. اولاً، اکنون متوجه خواهید شد که موضوع زمین و خلقت با موضوع پادشاهی و سلطنت مرتبط است.

اما این موضوع همچنین زمانی اهمیت پیدا می‌کند که به موضوع عیسی به عنوان مسیح و چگونگی ارتباط آن با موضوع زمین بپردازیم. اما نکته اینجاست که از اشعیا ۶۵، و همچنین در چندین مزامیر، این ایده را می‌یابیم که در نهایت آنچه قوم خدا به ارث خواهند برد، خلقتی جدید، یعنی کل زمین، است. در نهایت، کل زمین در آینده به ارث فرمانروای داوود خواهد رسید.

تاکنون در عهد عتیق، دیده‌ایم که خدا، با شروع روایت سیل، با نشان دادن وفاداری خود به خلقت، قصد خود را نشان می‌دهد. حتی در سیل، خدا قصد خود را برای بازگرداندن قومش به سرزمین، برای احیای سرزمین نشان می‌دهد تا جایی باشد که خدا بتواند با قومش در آن ساکن شود، جایی که قومش بتوانند در حضور خدا در سرزمین زندگی کنند و سهیم باشند. همچنین دیدیم که این بخشی از وعده‌ای بود که به ابراهیم داده شد. وقتی خدا قصد خود را برای بردن ابراهیم به سرزمینی نشان می‌داد، به او نشان می‌داد.

این فقط برای انجام کاری خوب برای ابراهیم نبود، بلکه بخشی از تحقق پیدایش ۱ و ۲ بود، جایی که آدم و حوا در فصل ۳ از باغ اخراج شدند. اکنون، خداوند قصد خود را برای بازگرداندن قوم خود به سرزمینی که در ابتدا خلق کرده و به عنوان هدیه‌ای از روی لطف به آنها داده بود، بیان می‌کند. ما این را در طول تاریخ عهد عتیق، زمانی که اسرائیل وارد سرزمین کنعان شد، دیدیم.

این به معنای تحقق وعده‌های داده شده به ابراهیم و پدران، و همچنین نیت او برای خلقت در پیدایش ۱ و ۲ است. اما مانند آدم و حوا، اسرائیل نیز تاریخ آدم و حوا را تکرار می‌کند. و مانند آدم و حوا، اسرائیل نیز ۲ نافرمانی می‌کند. آنها همچنین از سرزمین، مکان برکت، مکان حضور خدا، اخراج یا تبعید می‌شوند.

و بنابراین، متون نبوی زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که خداوند بار دیگر قوم خود را به سرزمینشان بازگرداند، در راستای تحقق وعده‌هایی که به ابراهیم داده شده بود، و همچنین در راستای تحقق نیت اولیه خداوند در پیدایش ۱ و ۲، مبنی بر اعطای سرزمین، زمین به قومش. بنابراین، خداوند بار دیگر نقشه خود را لغو نمی‌کند یا نقشه جدیدی را آغاز نمی‌کند، بلکه در عوض، قصد دارد قوم خود را به سرزمینشان بازگرداند. اما چندین متن، به عنوان مثال، در اشعیا فصل ۶۵، برخی از مزامیر زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که اسرائیل و قوم خدا کل کیهان را به ارث خواهند برد، و آنچه خداوند آنها را به آن باز خواهد گرداند، نه فقط سرزمین فلسطین، بلکه در واقع خلقتی جدید است.

حتی برخی از مزامیر زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که در نهایت، میراث پادشاه داوود، پایان زمین، کل زمین خواهد بود. شاید در تحقق نقشه خدا برای بشریت در کتاب پیدایش، که قرار بود آنها به عنوان نایبان خدا بر کل زمین حکومت کنند و حکومت و جلال او را بر تمام خلقت گسترش دهند. بنابراین، خداوند روزی، به طور خلاصه، عهد عتیق، آموزه‌های عهد عتیق در مورد زمین و خلقت و خلقت جدید را احیا خواهد کرد.

باز هم، متون دیگری وجود دارند که می‌توانستیم به آنها استناد کنیم، و من به جای جامع بودن، گزینشی عمل کرده‌ام. اما نکته این متون این است که خداوند روزی نیت خود را برای بشریت و خلقت در یک عمل خلاقانه جدید، یک خلقت فیزیکی، احیا خواهد کرد، جایی که آنها بار دیگر از نعمت‌هایی که باید در خلقت جدید از آنها برخوردار می‌شدند، بهره‌مند خواهند شد و خداوند بار دیگر در میان آنها ساکن خواهد شد. حال، این ما را برای آموزه‌های عهد جدید در مورد زمین و خلقت و خلقت جدید آماده می‌کند.

و باز هم، کاری که می‌خواهیم انجام دهیم تمرکز بر برخی از متون اصلی و شاخص است. چند نکته در مورد آموزه‌های عهد جدید که جالب و مهم هستند و باید در نظر داشته باشید، باید برجسته شوند. یکی اینکه، تا رسیدن به مکاشفه، و به ویژه فصل‌های ۲۱ و ۲۲ که به خلقت جدید می‌پردازد، بنگرید؛ من آسمان‌های جدید و زمین جدید را دیدم.

تا زمانی که به آنجا نرسیده‌اید، نکته جالب، فقدان تقریباً کامل زبان مربوط به زمین در عهد جدید است. شما پولس را پیدا نمی‌کنید که وعده سرزمین مردم را داده باشد. شما عیسی را زیاد پیدا نمی‌کنید که درباره بازگرداندن مردم به زمین صحبت کند.

شما دیگر نویسندگان عهد جدید را پیدا نخواهید کرد که چیز زیادی در مورد بازگشت مردم به سرزمینشان گفته باشند. حال، می‌توان از این موضوع برداشت‌های مختلفی کرد. ما کمی در مورد اینکه چرا این موضوع ممکن است مهم باشد و اینکه چگونه می‌تواند مهم باشد، صحبت خواهیم کرد.

اما مهمترین نکته‌ای که باید در نظر داشت، تقریباً عدم اشاره کامل به سرزمین است. تا زمانی که به مکاشفه، جایی که خلقت جدید در حال ظهور است، نمی‌رسیم، اشاره بسیار کمی به سرزمین وجود دارد. حال، ۲۱، همانطور که با زبان عهد گفتیم، این بدان معنا نیست که سرزمین دیگر نقشی ندارد، خلقت و سرزمین اکنون در عهد جدید غایب هستند، یا در عهد عتیق مهم هستند اما در عهد جدید نیستند، یا اکنون مهم نیستند اما ممکن است بعداً مهم شوند.

ممکن است بعداً در تحقق، تحقق نهایی، باشد. بنابراین، باید پرسیم که چرا ممکن است زبان خشکی وجود نداشته باشد، اما حتی اگر وجود نداشته باشد، آیا خشکی هنوز نقش مهم و برجسته‌ای در عهد جدید ایفا می‌کند؟ نکته دیگر، باز هم، باید تشخیص داد که آموزه‌های عهد جدید و خلقت در تنش آخرالزمانی از پیش آغاز شده اما نه هنوز که چند بار در مورد آن صحبت کرده‌ایم، سهمیم هستند. یعنی، فکر می‌کنم، وقتی عهد جدید را می‌خوانم، متوجه خواهیم شد که خشکی نوید می‌دهد که تا حدودی جایی را که به سمت آن می‌رویم، جدید است بعداً در تحقق، تحقق نهایی، باشد. بنابراین، باید پرسیم که چرا ممکن است زبان خشکی وجود نداشته باشد، اما حتی اگر وجود نداشته باشد، آیا خشکی هنوز نقش مهم و برجسته‌ای در عهد جدید ایفا می‌کند؟ نکته دیگر، باز هم، باید تشخیص داد که آموزه‌های عهد جدید و خلقت در تنش آخرالزمانی از پیش آغاز شده اما نه هنوز که چند بار در مورد آن صحبت کرده‌ایم، سهمیم هستند. یعنی، فکر می‌کنم، وقتی عهد جدید را می‌خوانم، متوجه خواهیم شد که خشکی نوید می‌دهد که تا حدودی جایی را که به سمت آن می‌رویم، جدید است بعداً در تحقق، تحقق نهایی، باشد.

وعده‌های سرزمینی که در متون نبوی می‌یابیم، آنچه در مزامیر تجسم شده است، قصد خدا برای آفرینش وعده ابراهیمی، در حال حاضر در آمدن مسیح و قومش در انتظار «هنوز نه» یا «کمال نهایی» که فکر می‌کنم در مکاشفه فصل ۲۱ می‌یابیم، محقق شده است. و علاوه بر این، این وعده‌ها هم در «در حال حاضر» و هم «هنوز نه»، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی محقق می‌شوند. همانطور که گفتیم، سرزمین هم بعد جسمی و هم بعد روحی دارد.

بنابراین، همانطور که به تحقق می‌رسیم، احتمالاً شاهد وقوع آن هم از نظر روحی و هم از نظر جسمی خواهیم بود. اما به نظر من، وعده‌های مربوط به سرزمین، طبق این طرح از قبل اما نه هنوز، محقق شده‌اند، که از قبل در مسیح و نجاتی که او به ارمغان می‌آورد و در قوم او در انتظار تحقق نهایی، تحقق یافته‌اند، تحقق که عمدتاً فیزیکی است و در خلقت جدید در مکاشفه ۲۱ یافت می‌شود. بنابراین در جلسه بعدی، با انجیل‌ها شروع خواهیم کرد و به بررسی چگونگی تحقق مضمون خلقت، خلقت جدید و سرزمین در عهد جدید و انجیل‌ها، نامه‌های پولس، برخی دیگر از نوشته‌های عهد جدید و اوج آن در کتاب مکاشفه خواهیم پرداخت و بررسی خواهیم کرد که چگونه مضمون خلقت، خلقت جدید و سرزمین از عهد عتیق در عهد جدید توسعه می‌یابد و در شخص عیسی مسیح و در نهایت در تحقق تمام وعده‌های خدا برای قومش در کتاب مکاشفه، تحقق می‌یابد.

، من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه سوم، خلقت، سرزمین و تفریح در عهد عتیق است.